



سبکی نوین در تفسیر روایی

روش شناسی کتاب تفسیر الاثری الجامع

دکتر محمد علی رضائی اصفهانی
عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی
مدیر گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
مسئول انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم

اشاره

این نوشتار، نگاهی روش شناسانه به کتاب «التفسیر الاثری الجامع» اثر گرانسنگ حضرت علامه آیت الله محمد هادی معرفت دارد که اخیراً منتشر شده است و گامی نوین در تفسیر نگاری قرآن به شمار می آید. در این مقاله نگاهی کلی به کتاب فوق شده و مقدمه فاخر و ساختار و منابع آن مورد بررسی قرار گرفته، سپس روش ها و گرایش های تفسیری از نگاه مؤلف محترم بررسی و بر کتاب فوق تطبیق شده است و در پایان پیشنهاداتی برای تکمیل جلدهای بعدی ارائه گردیده است.

واژگان

۱. تفسیر:

مقصود فهم معانی واژه های آیات و مقاصد آنهاست، به عبارت دیگر فهم معنای استعمالی و مراد جدی خدا در آیات قرآن و بیان آنهاست.^۱

۲. روش:

مقصود استفاده مفسر از منبع خاص در تفسیر (مثل منبع قرآن، روایات، عقل،

علم و... است که نتایج خاصی را به دنبال دارد. ۲

۳. گرایش:

مقصود رویکردهای مفسر قرآن در تفسیر است که گاهی ناشی از تخصص مفسر در علم خاص یا تمایل او به مذهب یا مکتب کلامی و یا سلیقه خاص او در امور ادبی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و کلامی است. ۳

۴. روش شناسی:

مقصود شناخت روش تفسیری، گرایش های تفسیری و ساختار شکلی و محتوایی کتاب است.

۵. کتاب:

در این مقاله مقصود کتاب «التفسیر الاثری الجامع» تالیف حضرت علامه آیت الله محمد هادی معرفت، چاپ اول است که توسط مؤسسه التمهید، ۱۳۸۳ ش / ۱۴۲۵ ق / ۲۰۰۴ م، در قم منتشر شده است.

درآمد

تفسیر قرآن کریم در طول تاریخ اسلام فراز و نشیب های مختلفی داشته است، و روش ها و گرایش های متعددی در این زمینه هویدا شده است. کتاب گرانسنگ «التفسیر الاثری الجامع» تالیف حضرت علامه آیت الله محمد هادی معرفت - دامت برکاته، شیوه ای نوین در این سلسله تفسیری به شمار می آید که برای روشن شدن جایگاه آن در سیر تطور تفاسیر شیعه و اهل سنت، و تبیین روش و ساختار و محتوای آن لازم است که از زوایای مختلف بدان بنگریم و آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

اول: نگاهی کلی به کتاب «التفسیر الاثری الجامع»:

الف: عنوان:

عنوان کتاب «التفسیر الاثری الجامع» به سه مطلب اشاره دارد:

۱. این که کتاب تفسیر قرآن کریم است.

۲. این که کتاب نوعی تفسیر اثری به شمار می آید یعنی در آن از احادیث و روایات و شیوه نقلی استفاده شده است. البته مقصود مؤلف از «اثری» روایات و اخبار تفسیری شیعه و اهل سنت، اعم از احادیث پیامبر (ص) اهل بیت (ع) و صحابه و تابعان است.

همان طور که از متن کتاب و مقدمه استفاده می شود.

۳. این که کتاب جامع است یعنی احادیث شیعه و اهل سنت را جمع آوری کرده است و به منابع فریقین توجه کامل داشته است و نوعی تفسیر مقارنه‌ای، تطبیقی و تقریبی به شمار می آید.

اما با بررسی محتوا و ساختار کتاب روشن خواهد شد که در این کتاب تنها از روش روایی استفاده نشده است، بلکه از روش‌ها و گرایش‌های مختلفی استفاده شده است.

ب: مؤلف:

نویسنده کتاب حضرت علامه آیت الله محمد هادی معرفت - دامت برکاته - است. ایشان در سال ۱۳۰۹ ش در کربلا متولد شد، و در حوزه علمیه کربلا و نجف تحصیلات خود را در زمینه ادبیات، منطق، علوم کیهان‌شناسی و ریاضی، فقه، اصول و فلسفه نزد اساتید بزرگ عصر خویش فراگرفت و از درس اساتیدی همچون آیات عظام سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوئی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی، سید علی فانی اصفهانی و امام خمینی (ره) بهره برده است.

ایشان در کنار تحصیل، به تحقیق و تدریس همت گماشت و سال‌ها فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن در حوزه علمیه نجف و قم و برخی دانشگاه‌ها تدریس کرده و هم اکنون مشغول تدریس درس خارج و تألیف اثر گرانسنگ «التفسیر الاثری الجامع» است. این قرآن پژوه محقق، بیش از بیست کتاب تألیف کرده است از جمله: التمهید فی علوم القرآن (۷ مجلد) التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب (۲ مجلد) صیانه القرآن من التحریف، علوم قرآنی، تاریخ قرآن، ولایت الفقیه ابعادها و حدودها، مالکیة الارض، مسائل فی القضاء، تناسخ ارواح و....

ایشان دارای دیدگاه‌های نوین تفسیری و علوم قرآنی است از جمله: «نظریه بطن قرآن»، «نظریه نسخ مشروط و نسخ تمهیدی».

مؤلف محترم در سال ۱۳۵۱ ش از عراق به ایران مهاجرت کرد، و یکی از فرزندان خویش را تقدیم اسلام نمود که در راه انقلاب اسلامی شهید شد.

ج: مجلدات:

کتاب «التفسیر الاثری الجامع» دارای مجلدات متعدد خواهد بود، پیش بینی می شود که بیش از بیست جلد خواهد شد،^۴ ولی اکنون جلد اول آن با مشخصات زیر



چاپ شده است :

- التفسیر الاثری الجامع ؛ الجزء الاول - المقدمه - سورة الحمد ؛ محمد هادی معرفت ؛

- تحقیق موسسه التمهید - الجمهوریة الاسلامیة الایرانیة ، قم المقدسة ، شارع

الانقلاب ، فرع ۱۸ ، رقم ۴۹ ، هاتف و فاکس : ۰۰۹۸/۲۵۱/۷۷۱۹۳۳۵

- الطبعة الاولى / ۱۳۸۳ هـ . ش - ۱۴۲۵ هـ . ق ، ۲۰۰۴ م .

- التوزیع : منشورات ذوی القربی ، قم المقدسة ، شارع ارم ، بنایة القدس التجاریة ،

هاتف : ۰۰۹۸ / ۲۵۱ / ۷۷۴۴۶۶۳

- السعر ۳۰۰۰ تومان . ۴۱۶ ص . گالینگور

شمارگان : در کتابشناسی ذکر نشده است ولی شنیده شده که پانصد جلد منتشر شده

و قصد نویسنده محترم از انتشار محدود آن ، نظر خواهی از صاحب نظران تفسیر بوده است . ۵

د : هدف کتاب :

هدف اصلی کتاب جمع آوری اخبار تفسیری و نقد و بررسی آن ها است .

نویسنده محترم در پیش گفتار کتاب ، به پیشینه تفسیر و برخی شخصیت های

تفسیری همچون ابن عباس ، مجاهد بن جبر و میراث تفسیری پیامبر (ص) و صحابه و

تابعان ، اشاره می کند ، سپس به خلط بین تفاسیر صحیح و غیر صحیح در این میراث

تفسیری اشاره کرده و هدف نوشتن این تفسیر را این گونه بیان می کند :

و هذا الذی بین ایدیکم محاولة - مبلغ الجهد - لمعرفة الصحیح من الضعیف

من الاخبار ، فیما یعود الی تفسیر القرآن الکریم ، محاولة فی ضوء محکمات

الکتاب و السنة القویمة ، عرضاً فنیاً وفق اصول تقسیم الآثار . ۶

البته در مباحث بعدی روشن خواهد شد که با توجه به وجود روایات ضعیف و

اسرائیلیات در بین روایات تفسیری در طول تاریخ تفسیر روایی جای این مطلب خالی

بوده است و می توان ادعا کرد که هیچ کدام از مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت اقدام

کاملی در زمینه جمع آوری تفاسیر روایی فریقین و نقد و بررسی آنها نکرده اند . بنابراین

تأمین این هدف گامی نو و ضروری در تفسیر به شمار می آید .

ه : همکاران :

نویسنده محترم در پیش گفتار کتاب می نویسد :

و ساعدنا علی ذلك جماعة من العلماء من ذوی الاختصاص بعلوم القرآن فی

الحوزة العلمية بقم المقدسة ، سوف ننوّه باسمائهم .

بنابر این روشن می شود که این تفسیر یک تحقیق جمعی است که حضرت آیت الله معرفت سرپرستی و هدایت گروه و تنظیم نهایی مطالب تفسیر را به عهده داشته است . این گروه عبارتند از :

رستم نژاد ، ادیب زاده ، آمره ، سلیمی ، عباسی ، حسینی ، فلاح ، شریعتی ، روح بخش ، کاویان .

دوم : ساختار شناسی کتاب

الف : ساختار کلی کتاب :

کتاب «التفسیر الاثری الجامع» جلد اول شامل پیش گفتار ، مقدمه ای طولانی و تفسیر سورة حمد است . و موضوعات جالب و جزئی و نورانی گیری کرده که فهرست آنها این گونه است :

- پیش گفتار مؤلف (ص ۵ - ۶)

- المقدمة (ص ۱۱ - ۲۴۸)

در این مقدمه طولانی مباحث زیر به چشم می خورد :

۱ . فضائل قرآن (اسامی القرآن - اشتقان لفظة القرآن - التفسیر فی مراحل التکوین)

۲ . التفسیر و التأویل (الظهر و البطن)

التأویل من المدلول التزامی - طریق الحصول علی بطن الآیه - ضابطة التأویل - تأویلات قد تحتل القبول - التأویل عند ارباب القلوب - ظاهرة تداعی المعانی - تأویل او أخذ بفحوى الآیه العام - تأویلات ماثورة عن ائمة اهل البيت (ع) - تأویلات هی تخرصات - التفسیر بالرأى - لسان القرآن - صياغة القرآن - اسلوب القرآن - حجیة ظواهر القرآن - السياق فی القرآن - شرط الاخذ بالسياق .

۳ . صيانة القرآن من التحريف ۴ . التفسیر الاثری فی مراحل الاولی

التفسیر فی دور الصحابة - تفسیر الصحابی فی مجال الاعتبار - التفسیر فی دور التابعین - مدارس التفسیر - اعلام التابعین - اتباع التابعین - تفسیر التابعی فی کفة المیزان - موضع للحديث من التفسیر . ۵ . آفات التفسیر

الوضع فی التفسیر - اهم اسباب الوضع فی الحديث - الكذابون فی الائمة - ماورد بشأن فضائل السور - ماورد بشأن خواص القرآن . قصة القنأسوة العجیبة - الاسرائیلیات -

ماورد بشأن اسباب النزول . ۶ . الحروف المقطعة هل الحروف المقطعة آية - التلهج بالحروف المقطعة - الحروف المقطعة في مختلف الآراء - ما قيل في حل تلك الرموز - الرأي المختار - الحروف المقطعة في مختلف الروايات - القول بانها اقسام اقسام الله بها - القول بانها تشكل الاسم الاعظم - القول بانها اسماء السور - القول بانها من اسماء القرآن - القول بانها هجاء موضوع افتتح بها السور - القول بانها اسرار ورموز - فضل قراءة هذه الحروف . ۷ . نقد الآثار على منصة التمحيص كيف العرض على كتاب الله - نماذج من نقد الحديث ذاتياً - منهجنا في هذا العرض .

- سورة الحمد

۱ . فضل سورة الحمد . ۲ . ماروی عن السلف بشأن قرائتنا . القراءة في الرواية عن السلف . كان رسول الله (ص) يُمدُّ في قراءة . قراءة مالك يوم الدين - قرائت ملك يوم الدين - قراءة «مالك» في الرواية عن السبعة - قراءة اياك نعبد و اياك نستعين - قراءة اهدنا الصراط المستقيم - قراءة صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالين - اللغة و الادب . ۳ . نظمها البديع . ۴ . الاستعاذة . ۵ . البسلة : فضيلة البسلة - البسلة آية من القرآن - البسلة فاتحة كل سورة سوى براءة - البسلة مفتاح كل كتاب .

تفسيرها الرمزي (الاشاري) - في الاجهار ب «بسم الله الرحمن الرحيم» - ماورد من الاسرار بالبسلة او تركها - في كتابة البسلة . ۶ . تفسير سورة الحمد : تفسير الحمد لله - تفسير العالمين - تفسير مالك يوم الدين - تفسير اياك نعبد و اياك نستعين - تفسير اهدنا الصراط المستقيم - تفسير صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالين . ۷ . ذكر آمين . اختلافهم في المد و الجهر و الاخفات بلفظ «آمين» .

= رموز المصادر (ص ۴۰۷)

= فهرست مصادر التحقيق (ص ۴۰۸)

ب : ساختار تفسیر هر سوره :

در جلد اول کتاب تفسیر سوره حمد آمده است که در تفسیر این سوره به مباحث زیر توجه شده است :

۱ . فضیلت سوره :

فضایل سوره حمد را به پنج دسته تقسیم می کند سپس روایت را به ترتیب بیان می کند . در این بخش ، ۷۰ روایت بیان شده است و از منابع شیعه و اهل سنت مثل امالی

شیخ صدوق، بحار الانوار، جامع الاخبار، مناقب ابن شهر آشوب، الدر المنثور، کنز العمال، فردوس الاخبار، مجمع البیان، المحرر الوجیز، العیاشی، مجمع الزوائد، تفسیر طبری و مانند آنها استفاده شده است.

در این بخش مؤلف محترم مکرر به نقد و بررسی احادیث فضائل سوره حمد پرداخته است.

برای مثال ذیل روایت ۱/۳۳، هنگامی که از ابوهریره نقل می شود که سوره حمد در مدینه نازل شده است می نویسند:

قلت: و هذا وهم من ابی هریره، رواه عنه مجاهد رواية لا اعتقاداً و قد اسبقنا الكلام عن ذلك فی الجزء الاول من التمهید. ۷

و نیز ذیل روایت ۱/۳۶ پنج اشکال به روایت می کنند و نیز ذیل ۱/۳۷ اشکالاتی را مطرح می کنند.

۲. قرائت های مختلف آیات سوره حمد:

در این بخش به صورت مفصل روایاتی که در مورد قرائت مالک یوم الدین، ایاک نعبد و ایاک نستعین و آیات دیگر سوره آمده است را حکایت می کنند، سپس به بررسی آنها می پردازند.

و در قرائت های مختلف، «مالک یوم الدین» را صحیح می دانند که قرائت جمهور مسلمانان است. و قرائت «ملک یوم الدین» را بدون اعتبار و از اختراعات مروان معرفی می کند.^۸

و در قرائت «اهدنا الصراط المستقیم» صراط را با «صاد» صحیح می داند که مطابق قرائت حفص از عاصم و مستند به امام امیر المؤمنین (ع) است.^۹ توجه مؤلف در این بخش بیشتر به قرائات سلف (پیامبر (ص)، اهل بیت (ع)، صحابه و تابعان) است.

۳. مباحث لغوی و ادبی:

در این بخش واژگان سوره حمد ریشه یابی شده است. برای مثال در «الحمد لله» لام را برای حبس معرفی می کند و «رب» را از ریشه «ربب» به معنای مالک متصرف می داند و «عالمین» را اسم جمع برای جماعت عقلاء معرفی می کند. سپس التفات از غیبت به خطاب در «ایاک نعبد» را یادآور می شوند.^{۱۰}

۴. نظم سوره:

سوره حمد سه مرحله دارد که با ستایش و تمجید خدای متعال شروع می شود، سپس در مرحله دوم انقطاع کامل بنده به درگاه الهی است که با یاری جویی و پناه بردن به او نمایان می شود و در مرحله سوم دعا و درخواست ها به درگاه الهی است. این سه مرحله ترتیبی طبیعی دارد که هر مرحله مقدمه ورود به مرحله بعدی است. در برخی احادیث نیز به این مراحل اشاره شده است.^{۱۱} در این بخش مجموعاً یازده حدیث نقل شده است، و نویسنده محترم پس از ذکر مقدمه (که در بالا آوردیم) به ذکر احادیث اکتفا کرده است.

۵. تفسیرهای موضوعی:

در قبل و بعد سوره حمد سه مبحث بیان شده که به شکل تفسیر موضوعی جلوه گر شده است.

اول: استعاذه (ص ۲۹۵ - ۳۰۶) که آیات و روایات استعاذه (اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم) را بیان کرده و مورد بررسی قرار داده است.

دوم: البسملة (ص ۳۰۷ - ۳۶۲) که در این مبحث آیه بسم الله الرحمن الرحیم و روایات آن را مورد بررسی قرار داده اند. البته «بسم الله» آیه اول سوره حمد است. اما مباحث مطرح شده فراتر از تفسیر آیه است که به صورت تفسیر موضوعی جلوه گر شده است. سوم: ذکر آمین (ص ۳۹۹ - ۴۰۶) که روایات مربوط به آن و حکم فقهی و تاریخی آن را مورد بررسی قرار داده اند.

تذکر: در این مورد ذیل مبحث روش شناسی تفسیر، توضیحات بیشتری خواهد آمد.

۶. تفسیر آیات سوره حمد:

در این بخش تفسیر هر آیه را به صورت مستقل مورد بررسی قرار داده اند. ساختار این بخش در مبحث بعدی مورد بررسی قرار می گیرد.

ج: ساختار تفسیر هر آیه

به نظر می رسد که مؤلف محترم برای تفسیر هر آیه مراحل زیر را طی کرده است:

اول: مباحث مقدماتی قبل از تفسیر آیه:

۱. بررسی قرائت آیه. ۲. بررسی واژگان هر آیه. ۳. بررسی مسائل ادبی هر آیه. تذکر: موارد سه گانه فوق به صورت جداگانه در مباحث مقدماتی سوره آمده

است و داخل تفسیر آیه نشده است .

البته برخی آیه‌ها ممکن است نکته خاصی در باب قرائات، لغت و ادب نداشته باشد و چیزی بیان نشده باشد .

دوم: مباحث تفسیری آیه:

در این بخش که ذیل هر آیه آمده است مراحل زیر طی شده است:

۱. تفسیر اجمالی آیه:

برای مثال در مورد تفسیر «الحمد لله رب العالمین» تفسیری مختصر در هشت خط بیان شده است و مقصود از حمد و تعلیل «رب العالمین» برای این سپاسگزاری یادآوری شده و توضیحات مختصری برای روشن شدن مفهوم و معنای مقصود آیه بیان شده است. ۱۲

۲. اشاره به برخی اقوال مفسران در مورد معنای آیه. ۱۳

۳. اشاره به تفسیر عرفانی (اشاری) آیه از زبان مفسران عرفانی مثل ابو عبدالرحمان المسلمی و احادیث منقول از امام صادق (ع). ۱۴

۴. استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن به مناسبت برخی آیات مثل ذیل آیه ۴ و ۶ و ۷ سوره حمد از این شیوه استفاده شده است. ۱۵

۵. نقل احادیث فریقین در مورد آیه که در این مورد احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و برخی صحابه و تابعان آورده شده است. ۱۶

۶. بررسی احادیث: ایشان در برخی موارد به ضعف سندی احادیث اشاره کرده‌اند از جمله ذیل حدیث ۵۰۳/۱، به ضعف سند روایات یا قابل تأویل بودن آن‌ها اشاره می‌کند. ۱۷ و در برخی موارد توضیح مختصری در مورد روایات آورده‌اند که در فهم آنها موثر است، برای مثال ذیل حدیث ۴۲۸/۱ و ۴۸۲/۱. ۱۸

تذکر ۱: البته ایشان در لابلای احادیث نظرات برخی مفسران را به مناسبت ذکر می‌کند. برای مثال ذیل روایت ۴۷۸/۱، سخن ابن کثیر و ابوالفتوح رازی را حکایت کرده است. ۱۹

و اگر در مواردی حدیث مشابهی در منبع دیگر بوده است تذکر داده‌اند، برای مثال ذیل روایت ۴۷۷/۱. ۲۰

تذکر ۲: مؤلف محترم تلاش کرده در تفسیر آیات از یک الگوی نسبتاً هماهنگ استفاده کند. اما در عمل گاهی این شش مرحله که ذیل آیه دوم سوره حمد طی شده

است به صورت کامل و مرتب ذیل آیات دیگر انجام نگرفته است. برای مثال ذیل آیه چهارم حمد «مالک یوم الدین» اشاره ای به تفسیر اجمالی آیه شده است اما اقوال مفسران و تفسیر عرفانی به دنبال آن نیامده است. بلکه این مطالب با روایات تفسیری مخلوط شده است.

و همین مشکل ذیل آیه «اهدنا الصراط المستقیم» تا حدودی خود را نشان داده است که نوعی ناهماهنگی و عدم ارائه الگوی واحد در تفسیر هر آیه را به ذهن می‌رساند. البته وقتی در متن تفسیر دقت کنیم در ذیل اکثر آیات از همین مراحل استفاده شده است اما در برخی مخلوط و در برخی مجزا شده است.

سوم: منبع شناسی «التفسیر الاثری الجامع»

یکی از نقاط قوت این تفسیر استفاده از منابع متنوع و اصیل شیعه و اهل سنت و مستشرقان است.

در جلد اول این تفسیر، از بیش از ۲۰۰ منبع استفاده شده که مهم ترین آنها عبارتند از:

الف: منابع حدیثی شیعه:

ارشاد، شیخ مفید- استبصار، شیخ طوسی- بحار الانوار، علامه مجلسی- البصائر، الصفار- التهذیب، شیخ طوسی- اصول کافی، کلینی- معانی الاخبار، صدوق- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی- عیون اخبار الرضا- من لایحضره الفقیه، صدوق- جامع احادیث شیعه و ...

ب: منابع تفسیری شیعه:

تفسیر العیاشی- تفسیر الصافی، فیض کاشانی- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی- التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (ع)- التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی- مجمع البیان، شیخ طبرسی و ...

ج: منابع حدیثی اهل سنت:

صحیح بخاری- صحیح مسلم- سنن ابن ماجه- سنن ابن داود- السنن الکبری، النسائی- سنن الدرّامی- سنن الدار القطنی- الموطأ، ابن مالک و ...

د: منابع تفسیری اهل سنت:

جامع البیان، الطبری- الدرّ المنثور، السیوطی- تفسیر الثعلبی (الکشف و البیان)-

تفسير معالم التنزيل ، البغوى - تفسير القرآن العظيم ، ابن كثير - تفسير القرآن العظيم ، ابن ابي حاتم - تفسير البحر المحيط ، ابو حيان الاندلسى - تفسير البيضاوى - تفسير القاسمى - تفسير القرآن الكريم ، شيخ محمد عبده - التفسير الكبير ، فخر رازى - تفسير روح المعانى ، الآلوسى - فى ظلال القرآن ، سيد قطب - المنار ، رشيد رضا و....

هـ : منابع علوم قرآن فريقين :

التمهيد فى علوم القرآن ، محمد هادى معرفت - التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب ، همو - الاتقان فى علوم القرآن ، السيوطى - البرهان فى علوم القرآن ، الزركشى - مقدمة فى اصول التفسير ، ابن تيميه - مقدمة - صيانة القرآن من التحريف ، محمد هادى معرفت .

و : منابع آراء مستشرقان :

آراء المستشرقون حول القرآن الكريم و تفسيره ، عمر بن ابراهيم رضوان - بحوث جديدة فى القرآن (آراء المستشرقين حول القرآن) ، عمر بن ابراهيم - الدفاع عن القرآن ضد منتقديه ، عبد الرحمان بدوى - شبهات وردود ، محمد هادى معرفت - قضايا قرآنية فى الموسوعة البريطانية ، دكتور فضل حسن عباس .

ز : منابع رجال فريقين :

ميزان الاعتدال فى نقد الرجال ، محمد بن احمد الذهبى - الاصابة فى تمييز الصحابة ، ابن حجر العسقلانى - الجرح و التعديل ، شيخ الاسلام الرازى - خلاصة تهذيب التهذيب ، احمد بن عبد الله الانصارى - الذريعة الى تصانيف الشيعة ، آقا بزرگ الطهرانى - طبقات ابن سعد - طبقات المفسرين ، محمد بن على الداودى - طبقات الحنابلة ، القاضى - الفهرست ، ابن نديم - قاموس الرجال ، تسترى - الكامل فى ضعفاء الرجال ، الجرجانى - اللئالى المصنوعة سيوطى - كتاب المعجروحين من المحدثين و الضعفاء و المتروكين ، محمد بن حيان التميمى .

ح : منابع لغوى و ادبى :

كتاب العين ، خليل بن احمد فراييدى - البهجة المرضية فى شرح الألفيه ، جلال الدين السيوطى - لسان العرب ، ابن منظور - مجمع البحرين ، الطريحي .

ط : منابع تاريخى :

تاريخ ابن عساكر - التاريخ الكبير ، البخارى - تاريخ بغداد او مدينة الاسلام ، الخطيب البغدادى - ذيل تاريخ بغداد ، ابن نجار - رجال الطوسى - رجال العلامة الحلى - رجال

الکشی .

ی : منابع اصول الفقه :

اجود التقریرات ، ابوالقاسم خوئی - عده الاصول ، شیخ طوسی - فوائد الاصول ، محمد علی الکاظمی الخراسانی - کفایة الاصول ، شیخ محمد کاظم خراسانی الآخوند - مصباح الاصول ، محمد سرور الواعظ الحسینی - الهدایة فی الاصول ، شیخ حسن صافی اصفهانی .

ک : منابع قرائات :

حجة القرائات ، عبد الرحمن بن محمد - الكشف عن وجوه القرائات السبع ، مکی بن ابی طالب القسی - النشر فی القرائات العشر ، ابن جزری .

چهارم : روش شناسی التفسیر الاثری الجامع

یکی از مسائلی که تفاسیر قرآن را از یکدیگر متمایز می کند روش تفسیری هر مفسر است . از این رو شناخت روش مفسر اهمیت ویژه ای دارد ، در اینجا لازم است که مقدمه ای بیان کنیم و روش های تفسیری را به صورت خلاصه معرفی کنیم ، سپس دیدگاه نویسندۀ محترم حضرت آیت الله معرفت را نیز در باب روش های تفسیری بیان نماییم ، آنگاه به بررسی روش کتاب «التفسیر الاثری الجامع» پردازیم . تا جایگاه این کتاب در بین روش های تفسیری روشن تر شود .

الف : نگاهی گذرا به روش ها و گرایش های تفسیر قرآن :

تفسیر قرآن کریم که از عصر پیامبر (ص) و به دستور وحی شروع شد ، ۲۱ سپس توسط اهل بیت (ع) و صحابیان و تابعان تکامل یافت و در طول تاریخ اسلام با فراز و نشیب هایی توسط مفسران بزرگ قرآن ادامه یافت .

در قرن اول هجری تفسیر رنگ روایی داشت و همین رنگ را تا حدود قرن چهارم هجری با اندکی تغییرات در دوره تابعان ، ادامه داد ، تفاسیر شیعی همچون تفسیر عیاشی و تفسیر قمی و تفسیر فرات کوفی ، و تفاسیر اهل سنت همچون تفسیر صنعانی (۲۱۱ق) و تفسیر جامع البیان طبری (۳۱۰ق) که در این دوره نوشته شد ، همگی از روش روایی پیروی کرده اند .

اما از حدود قرن چهارم به بعد با ظهور تفسیر تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی در شیعه و تفسیر کبیر فخر رازی در اهل سنت ، روش اجتهادی در تفسیر آغاز

شد و در طول تاریخ اسلام گرایش‌ها و روش‌های مختلفی در تفسیر شکل گرفت که مهم‌ترین روش‌های تفسیری عبارتند از:

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن؛ مثل تفسیر المیزان علامه طباطبائی و التفسیر القرآن للقرآن، عبدالکریم خطیب.

۲. روش تفسیر روایی؛ مثل تفسیر البرهان، محدث بحرانی و نورالثقلین، عروس حویزی و صافی، فیض کاشانی و الدر المنثور سیوطی. (۹۱۱ ق)

۳. روش تفسیر عقلی؛ همچون تفسیر قرآن کریم، ملاصدرای شیرازی و العقل و القرآن، نورالدین اراکی.

۴. روش تفسیر اشاری (عرفانی-باطنی-رمزی)؛ همچون لطائف الاشارات، قشیری و تفسیر کشف الاسرار میبیدی.

۵. روش تفسیر علمی^{۲۲} (علوم تجربی)؛ همچون تفسیر الجواهر، طنطاوی جوهری. تذکر: البته در این میان دو روش تفسیری دیگر وجود دارد:

الف: روش تفسیر اجتهادی که به نوعی بر تمام روش‌های تفسیری، جز روش تفسیر روایی صرف، سایه می‌افکند، و می‌تواند به صورت روش تفسیر اجتهادی جامع ارائه گردد که شامل تمام روش‌ها و گرایش‌های تفسیر آیه بشود.^{۲۳}

ب: روش تفسیر به رأی که شیوه‌ای باطل در تفسیر قرآن است و در احادیث اسلامی مورد نکوهش واقع شده است.^{۲۴}

و مهم‌ترین گرایش‌های تفسیری عبارتند از:

۱. مذاهب تفسیری همچون تفسیر شیعه اثنی عشری، اسماعیلیه و ...

۲. مکاتب تفسیری همچون تفسیر معتزله و اشاعره و ...

۳. سبک‌های تفسیری، همچون تفسیر ادبی-فقهی-فلسفی-اجتماعی-اخلاقی-

تاریخی و ...

۴. جهت‌گیری‌های تفسیری همچون تفسیر جهادی-تقریبی-سیاسی و ...^{۲۵}

ب: تقسیم‌بندی روش‌های تفسیری از دیدگاه آیت‌الله معرفت:

ایشان روش‌های تفسیری را به دو روش اصلی تقسیم می‌کنند:

اول: تفسیر اثری:

که شامل روش‌های زیر می‌شود:

۱. تفسیر القرآن بالقرآن؛ ۲. تفسیر القرآن بالسنة؛ ۳. تفسیر القرآن بقول

الصحابی؛ ۴. تفسیر القرآن بقول التابعی. ۲۶

تذکر: مقصود مؤلف از تفسیر اثری، اعم از چهار روش فوق است و از هر چهار

روش در کتاب «التفسیر الاثری الجامع» استفاده کرده است. (ادامه همین مقاله)

دوم: تفسیر اجتهادی:

که شامل شیوه‌های زیر می‌شود:

۱. تفسیر ادبی؛ ۲. تفسیر فقهی؛ ۳. تفسیر کلامی؛ ۴. تفسیر فلسفی؛ ۵. تفسیر

عرفانی رمزی و صوفی اشاری؛ ۶. تفسیر اجتماعی؛ ۷. تفسیر علمی؛ ۸. تفسیر جامع.

سپس این شیوه‌های تفسیر اجتهادی را «الوان» تفسیر می‌خوانند، ۲۷ و برای هر

کدام مثال می‌زنند.

تذکر: البته مؤلف محترم روش تفسیر به رأی را محکوم می‌داند و آن را به دو نوع:

استبداد به رأی در تفسیر آیات الهی، و تطبیق آیات بر مذهب و نظر خویش، تقسیم

می‌کند. ۲۸

ج: جایگاه التفسیر الاثری الجامع در روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن:

هر چند که گرایش غالب این تفسیر، شیوه تفسیر اثری (= نقلی) است. اما با

دقت در آن متوجه می‌شویم که در این تفسیر از روش‌های متنوع استفاده شده است.

همان‌گونه که تفسیر اثری نیز کاربردهای متنوعی دارد یعنی احادیث تفسیری همگی به

یک صورت به توضیح آیه نمی‌پردازد بلکه گاهی مصداق آیه را بیان می‌کند، گاهی

تخصیص یا تقييد آیه است و گاهی بطن و تأویل آیه را بیان می‌کند.

اینک به بررسی جزئی این موارد در تفسیر برخی آیات از کتاب فوق می‌پردازیم:

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن:

در این تفسیر در موارد متعددی از این روش استفاده شده است. از جمله در مورد

تفسیر آیه صراط الذین انعمت علیهم، به آیه: و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم

الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً (نساء، ۴/۶۹)

استدلال شده است.

سپس با استفاده از آیه طه/۸۱ و نحل/۱۰۶ و ممتحنه/۱ و بقره/۱۰۸ توضیح

می‌دهند که صراط مستقیم راه میانه است که غلو و تقصیر در آن نیست. ۲۹



و نیز در تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم»، به آیه توبه/ ۷۲ و حدید/ ۲۷ استشهاد کرده‌اند. ۳۰

۲. روش تفسیر قرآن با سنت پیامبر و اهل بیت (ع):

در جلد اول این کتاب مجموعاً ۶۲۳ روایت نقل شده است که بسیاری از آنها از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است، و صاحب کتاب معتقد است که روایات پیامبر (ص) و اهل بیت معصوم او حجّت است^{۳۱} ولی همان طور که اشاره شد این احادیث یکسان نیستند بلکه هر کدام بعدی از ابعاد آیه را بیان می‌کند، از جمله:

۲/۱. بیان مصداق آیه:

برای مثال در حدیث ۵۸۰/۱ و ۵۸۱ و ۵۸۲ از پیامبر (ص) حکایت شده که مقصود از «المغضوب علیهم» یهود هستند و منظور از «الضالین» مسیحیان هستند. ۳۲

البته روشن است که یهود و مسیحیان از مصادیق آیه هستند. و گرنه در احادیث دیگر (مثل ۵۹۹/۱) از امام رضا (ع) حکایت شده که غالیان نیز از مصادیق آیه هستند. ۳۳

و نیز در حدیث ۵۴۷/۱ از امام صادق (ع) حکایت شده که مقصود از «صراط الذین انعمت علیهم» محمد (ص) و ذریه او (ع) هستند. ۳۴ که در اینجا نیز مصادیق کامل آیه بیان شده است که راه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است و گرنه در احادیث دیگر (۵۴۵/۱) از پیامبر (ص) حکایت شده که مقصود از صراط مستقیم راه پیامبران الهی است. ۳۵

۲/۲. توضیح معنای آیه:

برای مثال در حدیث ۵۲۵/۱ از امیر المؤمنین علی (ع) در مورد آیه «اهدنا الصراط المستقیم» حکایت شده که فرمودند: «ادم لنا توفیقک الذی به اطعناک فی ما مضی من ایامنا حتی نطیعک کذلک فی مستقبل اعمارنا...»^{۳۶}

در اینجا معنای «هدایت» را روشن ساخته است که ادامه توفیق اطاعت الهی است.

۲/۳. بیان برخی احکام خاص:

برای مثال در احادیث متعددی از شیعه و اهل سنت ذیل آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» نقل شده است که بلند گفتن آن در نمازهای واجب لازم است.

این احادیث از پیامبر (ص) و امام صادق (ع) است و برخی نیز عمل پیامبر (ص) را در نماز بیان می‌کند. ۳۷ که حکم فقهی از آن بدست می‌آید.

۳. تفسیر قرآن با اقوال صحابیان:

مؤلف، تفسیر صحابی را از نظر علمی و عملی معتبر می‌داند و یکی از منابع اصلی تفسیر می‌شمارد. البته با دو شرط: اول صحت الاسناد و دوم این که صحابی از افراد بلند مرتبه صحابیان باشد،^{۳۸} البته ایشان در جای دیگر اقوال صحابیان معصوم را حجت می‌داند.^{۳۹} و در لابلاهی تفسیر آیات سوره حمد مکرر از احادیث صحابیان بزرگ استفاده کرده‌اند از جمله: از ابن مسعود (۱/ ۵۳۰، ۱/ ۵۳۱ و...) و ابن عباس (۱/ ۵۲۸، ۱/ ۵۳۵ و...) جابر بن عبد الله (۱/ ۵۳۶ و...)

البته مؤلف محترم در مورد احادیث ضعیف و مجعول هشدار داده^{۴۰} و لزوم پرهیز از این گونه احادیث که به صحابیان نسبت داده‌اند، را گوشزد کرده و وضع حدیث را از آفات تفسیر دانسته و به علل آن اشاره کرده است.^{۴۱} و در موارد متعدد به نقد احادیث نقل شده پرداخته است از جمله: ذیل روایت ۱/ ۳۳، ۱/ ۳۶، ۱/ ۵۰۳، ۱/ ۶۱۹، ۱/ ۶۲۰ و...
۴. تفسیر قرآن با اقوال تابعان:

مؤلف محترم بحث مفصلی در مورد مدارس تفسیری و اعلام تابعان دارد و ۲۷ نفر از آنها را معرفی می‌کند، سپس به اتباع التابعین می‌پردازد و ۳۵ نفر از آنان را معرفی می‌کند، سپس به عظمت تابعان اشاره کرده و این که حجم زیادی از میراث تفسیری مسلمانان از تابعان است و آنان واسطه نقل اقوال صحابه و پیامبر (ص) هستند و به زمان پیامبر (ص) نزدیک تر بوده‌اند. و علوم خود را از منابع اصلی گرفته‌اند که منتهی به منبع وحی می‌شود. بنابراین توجه به اقوال تابعان برای تحقیق و رسیدن به حقیقت لازم است، هر چند

که تعبد در مورد اقوال آنها و تسلیم در برابر دیدگاه‌های آنها جایز نیست.^{۴۲} مؤلف محترم در تفسیر مکرر از اقوال تابعان بهره برده است. مثلاً در تفسیر «العالمین» در سوره حمد، از عکرمه نقل می‌کند که مقصود «جن و انس» هستند (۱/ ۴۷۳) و از سعید بن جبیر (۱/ ۴۷۴) و مجاهد (۱/ ۴۷۷) و فراء و ابو عبیده (۱/ ۴۷۸) و زید بن اسلم (۱/ ۴۷۹) و... روایاتی را حکایت می‌کند و گاهی به بررسی و نقد آرای تابعان می‌پردازد.
۵. روش تفسیر اشاری (رمزی و عرفانی و باطنی):

روش تفسیر اشاری شامل شیوه‌های فرعی می‌شود^{۴۳} که مؤلف کتاب «التفسیر الاثری الجامع» به اکثر آنها اشاره کرده و گاهی از آنها استفاده نموده یا تأیید و رد کرده است. از جمله:

الف: شیوه تفسیر باطنی:



مؤلف محترم در مقدمه تفسیر مطالب مفصلی در مورد تأویل و بطن ارائه کرده و دیدگاهی جدید در مورد بطن (= تاویل) ابراز کرده و آن را معنای التزامی آیه و پیام عام و قاعده کلی می داند که با الغای خصوصیت از آیه بدست می آید. ۴۴

سپس مثال به آیه ما ارسلنا من قبلک الا رجالاً نوحی الیهم فسلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون (نحل، ۱۶/۴۳) را بیان می کند که ظاهر آیه در مورد مشرکان و اهل کتاب است اما پیام عام آیه قاعده ای کلی «رجوع جاهل به عالم» است که شامل همه اعصار می شود که عموم مردم به متخصص رجوع کنند. ۴۵

ب: شیوه تفسیر رمزی:

در این مورد به تفسیر حروف مقطعه قرآن مثال زده اند که برخی از ابن عباس حکایت کرده اند که در «الم» الف «الله» و لام «جبرئیل» و میم «محمد» است. ۴۶
سپس از شاطبی حکایت می کند که این نوع از تفسیر مشکل است چون این شیوه استفاده در کلام عرب مرسوم نبوده است.

سپس تلاش می کنند که وجهی برای صحت این اقوال بیابند که بگویم مقصود این افراد این نبوده که این مطالب تفسیر آیه است، بلکه نوعی اعتبار ناظر به آیه است. ۴۷
البته مؤلف محترم در بحث حروف مقطعه معتقد است که آنها اشارات رمزی و اسراری بین خدا و پیامبر (ص) است که ممکن است حکمت ها و فوایدی داشته باشد. ۴۸
و در عین حال در تفسیر سوره حمد، برخی از تفاسیر اشاری رمزی را حکایت کرده است، از جمله در مورد تفسیر «الحمد لله» از تفسیر حقائق التفسیر، السلمی از امام صادق (ع) حکایت می کند که:

فی قوله «الحمد لله» فقال: من حمده بجمیع صفاته کما وصف نصفه فقد حمده. لان الحمد، حاء و میم و دال. فالحاء من الوجدانية و المیم من الملك، و الدال من الذیمومة فمن عرف بالوجدانية و الملك و الذیمومة فقد عرفه. ۴۹

سپس مؤلف می نویسد: «و هذا من الرموز عند اهل الاشارة» ۵۰ و هیچ نقدی نسبت به این تفسیر نمی نمایند.

ج: شیوه تفسیر عرفانی و صوفی:

مؤلف محترم تحت عنوان «التأویل عند ارباب القلوب» مباحثی را پیرامون

تفسیرهای عرفا و صوفیه بیان کرده و تلاش نموده راه آنان را از باطنیه جدا سازد چرا که عرفا تفسیرهای اهل شریعت را در اخذ به ظاهر قرآن قبول دارند و آن را اصل در نزول قرآن می دانند اما در مورد آیات قرآن، ذوق های عرفانی لطیفی دارند که نوعی واردات قلبی و الهامات قدسی به شمار می آید.

از این رو در تفسیر کشف الاسرار میبیدی بین ظاهر و باطن جمع کرده است. ۵۱ سپس مؤلف محترم تلاش می کند که با توجیهی نوین، این اشارات قلبی و عرفانی را قابل قبول بنماید.

ایشان معتقد است که اینها از باب تداعی معانی است نه تفسیر اصطلاحی، برای مثال در مورد آیه اذهب الی فرعون انه طغی (طه، ۴۳/۲۰) که خطاب به موسی و هارون است و مسأله مبارزه با فرعون مطرح شده است.

برخی عرفا به ذهنشان رسیده و تداعی معانی شده که: تهذیب نفس و جلوگیری از طغیان و سرکشی آن قبل از هر چیز است. پس به خود خطاب کرده که: چرا از فرعونیت نفس خود غافل هستی، به سوی او برو و به تهذیب آن پرداز که طغیان کرده است. اما این عارف نمی خواهد که قرآن را تفسیر کند و بگوید مقصود از «فرعون» در آیه، نفس اماره است و نمی گوید که مقصود از موسی و هارون، هر انسان خردمند و حکیم است، بلکه به ذهنش خطور کرده که از محتوای آیه برای وعظ و تذکر نفس استفاده کند. بنابراین تفسیر به رأی نخواهد بود. ۵۲

اما در عین حال برخی از تأویلات بدون ضابطه را بی اعتبار معرفی می کند و مثال هایی از محی الدین ابن عربی در فتوحات و فصوص و تفسیرش می آورد. ۵۳ مؤلف محترم در ضمن تفسیر گاهی احادیث و اقوال مفسران را که به تفسیرهای عرفانی آیات اشاره دارد، بیان می کند از جمله: در تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم» روایتی از امام صادق (ع) حکایت می کند (۵۶۴/۱) که: «ان الصورة الانسانية هی الطريق المستقیم الی کل خیر و الحبر الممدود بین الجنة و النار». ۵۴

سپس کلام فیض کاشانی را در تفسیر صافی در توجیه عرفانی این حدیث بیان می کند. ۵۵

۶. روش تفسیر اجتهادی:

هرچند که شیوه غالب و گرایش تفسیری کتاب «التفسیر الاثری الجامع»، شیوه



نقلی و اثری است و اکثر مطالب آن را احادیث و روایات سلف تشکیل می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که مولف محترم در موارد متعددی از روش تفسیر اجتهادی استفاده کرده است، که نموده‌ها و شواهد زیر از آن جمله است:

یکم: مؤلف محترم در موارد متعددی، در مورد احادیث اظهار نظر می‌کند و آنها را نقد و بررسی می‌نماید و یا توضیحاتی در مورد آنها می‌دهد. همان‌طور که در مورد حدیث‌های ۳۳/۱، ۳۶/۱، ۵۰۳/۱، ۶۱۹/۱، ۶۲۰/۱ و... گذشت.

این شیوه فقط با تفسیر اجتهادی سازگار است و گرنه در تفسیر نقلی محض، گردآورنده احادیث، از اظهار نظر دوری می‌کند.

دوم: هدف کتاب نقد و بررسی روایات تفسیری و جداسازی اخبار ضعیف و صحیح در پرتو کتاب و سنت و با روش فنی است،^{۵۶} که این هدف جز با شیوه تفسیر اجتهادی سازگار نمی‌افتد.

سوم: مؤلف محترم در برخی موارد اقدام به تفسیر قرآن به قرآن و نتیجه‌گیری می‌کند. (همان‌طور که گذشت) و البته روشن است که روش تفسیر قرآن به قرآن، نقلی صرف نیست بلکه برای تفسیر یک آیه با آیه دیگر نیاز به اجتهاد است.

چهارم: مؤلف محترم در انتخاب و چینش احادیث اجتهاد کرده است. و به صورتی احادیث را گردآوری و تنظیم کرده که خواننده به طور طبیعی دیدگاه صحیح را از آنها برداشت کند.

این مطلب با مطالعه احادیث «جهر و اخفات بسم الله»^{۵۷} و نیز احادیث مربوط به «آمین»^{۵۸} کاملاً روشن می‌شود.

پنجم: مقدمه طولانی کتاب در جلد اول، نشان‌دهنده شیوه تفسیری مؤلف است. ایشان با نظریه پردازی در مورد بطن قرآن و زبان قرآن و اسلوب قرآن و حجیه ظواهر و روش نقد و بررسی روایات،^{۵۹} نشان می‌دهد که صاحب نظرانه وارد تفسیر می‌شود و در تفسیر اثری بین روایات فریقین به داوری می‌نشیند.

تذکر: ایشان روش تفسیر به رأی را نیز در کتاب ذکر می‌کند و آن را توضیح داده سپس مردود اعلام می‌کند و در مورد پرهیز از تفسیر به رأی هشدار می‌دهد.^{۶۰}

پنجم: اسلوب شناسی التفسیر الاثری الجامع:

تفسیر ترتیبی یا موضوعی؟

تفسیرهای قرآن کریم در طول تاریخ اسلام با دو روش تفسیر ترتیبی و موضوعی انجام گرفته است. یعنی اکثر تفاسیر برای تفسیر قرآن از آغاز قرآن یا آغاز یک سوره شروع کرده‌اند و آیه به آیه تفسیر کرده‌اند. مثل تفسیر مجمع البیان، تبیان، المیزان و... ولی برخی از تفاسیر به ویژه در قرن حاضر به اسلوب تفسیر موضوعی روی آورده‌اند یعنی یک موضوع خاص را در تمام آیات قرآن که مربوط به آن موضوع بوده، مورد بررسی قرار داده‌اند. مثل تفسیر پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، منشور جاوید، آیت الله جعفر سبحانی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، آیت الله عبداللّه جوادی آملی.^{۶۱}

مؤلف محترم در التفسیر الاثری الجامع، غالباً از شیوه تفسیر ترتیبی استفاده کرده است برای مثال در جلد اول، تفسیر حمد را از «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کرده و به «ولا الضالین» ختم کرده است.^{۶۲}

اما گاهی از اسلوب تفسیر موضوعی نیز بهره برده است از جمله:

۱. در مورد «استعاذه»:

در این بحث آیات و روایات مربوط به استعاذه (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن در آغاز قرائت) بیان شده، و در مورد استجاب آن، مکان آن و نوع قرائت آن مباحث کاملی بیان شده است.^{۶۳}

۲. در مورد «بسمله»:

در این بحث آیات و روایات مربوط به بسم الله، بیان شده و مباحث مفصلی در مورد این که آیه قرآن است و سرآغاز هر سوره (غیر براءت) است و نیز تفسیر آن و جهر و اخفات و کتابت آن مطالبی بیان شده است که از حد تفسیر ترتیبی فراتر رفته است.^{۶۴}

۳. در مورد «آمین»:

در این مورد روایات شیعه و اهل سنت و اقوال صحابه و تابعان و فقهای فریقین آورده شده، سپس به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته و نتیجه گرفته است که «آمین» لفظی است که از خارج حوزه اسلام وارد مسلمانان شده است و حتی در مورد جهر و اخفات آن نیز روایات و اقوال فقها را آورده است.^{۶۵}

۴. در مورد برخی موضوعات ذیل آیات:

یکی از شیوه‌های جالب در تفسیر جمع بین تفسیر ترتیبی و موضوعی است یعنی

این که مفسر ذیل هر آیه به مناسبت آن یک بحث موضوعی ارائه کند و بقیه موارد را به آن ارجاع دهد.

علامه طباطبائی (ره)، در تفسیر المیزان از این شیوه استفاده کرده است و مثلاً بحث اعجاز قرآن را در جلد اول ذیل آیات آغاز سوره بقره و بحث رؤیا را ذیل آیات سوره یوسف آورده اند.

مؤلف محترم کتاب التفسیر الاثری الجامع نیز تا حدودی همین شیوه را در پیش گرفته است از جمله ذیل آیه «الحمد لله» مباحثی در مورد «حمد و شکر» آورده است که از تفسیر آیه فوق فراتر است. ۶۶

و نیز ذیل آیه ۶-۷ سوره حمد مباحثی پیرامون «صراط مستقیم» آورده است که فراتر از بحث تفسیر ترتیبی است. ۶۷

ششم: نقاط قوت و نوآوری های «التفسیر الاثری الجامع»

از مباحث گذشته بسیاری از نقاط قوت و نوآوری های این تفسیر روشن شد و اینک آنها را در اینجا فهرست وار جمع آوری می کنیم.

الف: تفسیر تطبیقی (سبک نوین در تفسیر روایی):

این مطلب از چند جهت قابل توجه است:

۱. در این تفسیر برای اولین بار روایات تفسیری فریقین (شیعه و اهل سنت) در کنار همدیگر قرار گرفته است و به نقد و بررسی و داوری بین آنها پرداخته شده است.
۲. در این تفسیر علاوه بر استفاده از احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، از اخبار صحابه و تابعان نیز استفاده شده است.
۳. در این تفسیر از اقوال مفسران شیعه و اهل سنت به مناسبت مباحث استفاده شده است.

تذکر: در مطالب پیشین نمونه هایی از این موارد ذکر شد و در مبحث منبع شناسی نیز منابع تفسیری و روایی شیعه و اهل سنت آن بیان شد.

ب: رویکرد تقریبی در تفسیر:

سبک نوینی که مؤلف در تفسیر خود برگزیده است، رویکرد تقریبی را شکل داده است یعنی استفاده از احادیث و اقوال مفسران فریقین در کنار هم، بدون توهین به

آنها، همراه با نقد و بررسی محترمانه و عالمانه و منصفانه، رویکرد جدیدی را در تفسیر شکل داده است که از آن با عنوان تفسیر تقریبی یاد می‌شود که جهت‌گیری تفسیری را نشان می‌دهد.

نگاه تقریبی به تفسیر در عصر حاضر زمینه‌ساز وحدت مسلمانان و استفاده همگان از احادیث اهل بیت (ع) و پی بردن به نقاط قوت روایات فریقین و رفع نقاط ابهام و ضعف می‌شود. و این رویکردی است که مسلمانان در عصر حاضر بیش از هر چیز بدان نیاز دارند.

ج: نظریه پردازی‌های نوین در حوزه تفسیر و علوم قرآن:

مؤلف محترم در ضمن مقدمهٔ وزین و علمی خویش و نیز در ضمن تفسیر، نظریه‌های جدیدی را عرضه کرده است که هر کدام در جای خود قابل بررسی و استفاده است، از جمله:

۱. نظریهٔ بطن:

ایشان در مورد تأویل و بطن دیدگاه خاصی ارائه می‌کنند و آن را مدلول التزامی آیه می‌دانند که با الغای خصوصیت بدست می‌آید یعنی پیام کلی آیه است که بر همهٔ عصرها قابل تطبیق است. ^{۶۸} مؤلف محترم با این شیوه بسیاری از احادیث پیامبر و اهل بیت (ع) را توجیه و تفسیر می‌کنند. ^{۶۹}

این دیدگاه می‌تواند تحولی نوین در تفسیر قرآن به شمار آید و رمز جاودانگی قرآن باشد به طوری که قصه‌ها و آیات قرآن را از حالت یک کتاب تاریخی خارج می‌سازد و به صورت یک دستور زندگی برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها و پاسخگویی نیازهای جدید بشر و قابل انطباق با پدیده‌های نو می‌سازد.

توضیح این نظریه در مباحث گذشته به صورت مختصر آمد و توضیح مفصل آن نیازمند مقاله‌ای مستقل است.

۲. نظریه تداعی معانی در تفاسیر عرفانی:

ایشان استفاده‌های عرفانی از آیات قرآن را خارج از حوزهٔ تفسیر و از نوع تداعی معانی می‌دانند، در نتیجه تفسیر به رأی نخواهد بود. ^{۷۰}

توضیح اجمالی این نظریه نیز در مباحث گذشته بیان شد و مجال توضیح مفصل آن نیست.

۳. نظریهٔ زبان قرآن:

در مورد زبان قرآن اختلاف است که آیا زبان عام (عرف عام) است یا زبان خاص (برای ژرف اندیشان)؟ مؤلف محترم نظریه ای ارائه می کند که زبان قرآن دارای مراتب مختلف است، چرا که ظاهری سطحی و باطنی عمیق دارد و برای هر دسته از مخاطبان مطلب ارائه می کند و حتی برای مخاطبان آینده در طول زمان بهره ای خواهد داشت. ۷۱

د: توجه به مبانی تفسیر قبل از شروع به تفسیر: در این مورد ایشان به چند بحث توجه کرده است و آنها را به صورت مفصل در مقدمه مورد بررسی قرار داده است از جمله:

۱. تفسیر و تأویل و ضابطه آن و راهکار روایات تأویل. ۲. بحث تفسیر به رأی و بطلان آن. ۳. زبان قرآن. ۴. این که الفاظ قالب آیات قرآن از وحی است. ۵. اسلوب قرآن. ۶. حجیت ظواهر قرآن. ۷. حجیت سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). ۸. ارزش و اعتبار سنت صحابه و تابعان.

ه: توجه به آیات تفسیر و راهکارهای آنها:

مؤلف در مقدمه به مبحث وضع، اسباب وضع حدیث، بحث فضائل سوره ها؛ بحث خواص قرآن، اسرائیلیات در تفسیر و بحث اسباب النزول، توجه کرده اند.

و: خرافه زدایی از تفسیر و احادیث: ایشان بحث هایی در مورد خرافات در تفسیر دارند از جمله برخی از احادیث خرافی را نقل کرده و نقد می کنند، از جمله داستان «کلاه عجیب» ملک روم و ارسال آن برای مأمون را نقل و نقد می کنند. ۷۲

ز: مبانی فهم و نقد حدیث: ایشان در مقدمه تفسیر بحث مبسوطی در مورد نقد سندی و محتوایی احادیث و معیارهای آن آورده اند سپس نمونه هایی از نقدها را بیان می کنند. ۷۳

ح: مبحث حروف مقطعه: مبحث حروف مقطعه را در اول کتاب آورده و نقد و بررسی کرده و نظر نهایی خود را بیان کرده اند مبنی بر این که اینها اسراری بین خدا و پیامبر (ص) است. ۷۴

ط: در اول هر سوره: قرائت های مختلف آن را نقد و بررسی کرده اند از جمله ابتدای سوره حمد. ۷۵

ک: بررسی نظم هر سوره به صورت مستقل: که ترتیب آیات و ارتباط آنها با همدیگر و اهداف کلی سوره به طور ضمنی بحث شده است.

ل: بررسی فضیلت هر سوره به صورت مستقل: همراه با نقد و بررسی روایات آن.

م: تفاسیر موضوعی ضمن تفسیر: که در این مورد توضیحات کافی بیان شد.

ن: توجه به قواعد تفسیری: مؤلف محترم در مقدمه کتاب برخی قواعد تفسیری از جمله قاعده «سیاق» را توضیح داده و شرایط آن را بیان کرده‌اند. ۷۶

هفتم: پیشنهادات تکمیلی

کتاب «التفسیر الاثری الجامع» امتیازات و نقاط قوت بسیاری دارد و حتی شیوه‌ای نوین در تفسیر روایی به شمار می‌آید، اما برخی کاستی‌ها در آن به چشم می‌خورد که شاید دلیل خاصی داشته که بر ما پوشیده است. از این رو برخی پیشنهادات جهت رفع کاستی‌ها و تکمیل این اثر گرانسنگ به پیشگاه مؤلف محترم و همکارانشان عرضه می‌داریم.

البته این جسارت و جرئت ما حاصل شرح صدر مؤلف محترم و دستور عالمانه و فروتنانه ایشان به بنده و دوستان است که کاستی‌های کتاب فوق را بگوییم و بنویسیم، تا کاستی‌های احتمالی در چاپ بعدی و در جلدهای بعدی برطرف شود و کتاب گرانسنگ ایشان راه تکامل خویش را بیوید.

۱. کم توجهی به نقد و بررسی روایات در تفسیر آیات:

در پیش گفتار کتاب هدف نقد و بررسی روایات بیان شده است. ۷۷ اما در برخی موارد به این مطلب کم‌تر توجه شده است.

مثال اول: در مبحث «نظمها البدیع» که یازده حدیث ذکر شده است، به نقد و بررسی آنها پرداخته نشده است، جز یک مورد (۱/۱۳۴) که در مورد سند آن تذکر مثبتی داده شده است.

مثال دوم: در مبحث فضل سوره حمد، هفتاد روایت حکایت شده است اما تنها در سه مورد به نقد آنها پرداخته شده است (۱/۳۳-۱/۳۶-۱/۳۷) و این در حالی است که مؤلف محترم در ص ۱۵۱ مطالبی در مورد جعل احادیث در مورد فضائل سوره‌ها از جمله سوره حمد آورده‌اند.

انتظار می‌رود که مؤلف و همکارانشان ذیل هر روایت سند و متن آن را به صورت مختصر بررسی کنند و اعتبار آن را روشن سازند.

۲. عدم ذکر برخی آیات و تفسیر آنها:

در تفسیر سوره حمد مؤلف نخست به تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم»^{۷۸} می‌پردازد سپس «الحمد لله»^{۷۹} و بعد «العالمین»^{۸۰} و بعد «مالک يوم الدين»^{۸۱}.

یعنی تفسیر «الرحمن الرحیم» و نیز تفسیر «رب» را ذکر نکرده‌اند. البته در مورد «رب» در مباحث لغوی مطالبی بیان کرده‌اند همان‌طور که «الرحمن الرحیم» در ضمن آیه اول سوره حمد بحث شده است. اما هنگامی که ما اقدام به تفسیر ترتیبی می‌کنیم لازم است همه آیات را بیاوریم و اگر تفسیر آن تکراری است تذکر دهیم. اما ادامه روش فوق موجب می‌شود که تفسیر روایی به سرنوشت تفسیر نور الثقلین گرفتار شود که یک دوره کامل قرآن در آن نیست.

یعنی هر جا آیه دارای روایتی نبوده است آیه را ذکر نکرده‌اند.

۳. عدم پیروی از الگوی واحد در تفسیر آیات:

همان‌طور که در مبحث ساختار تفسیر هر آیه گذشت، مؤلف محترم در تفسیر هر آیه شش مرحله را طی کرده است. اما این ساختار که در تفسیر «الحمد لله» عمل شده، در تفسیر برخی دیگر از آیات سوره حمد این ترتیب و مراحل رعایت نشده و مطالب با همدیگر مخلوط شده است.

توضیح این مطلب ذیل مبحث «ساختار تفسیر هر آیه» گذشت.

۴. ذکر احادیثی که تفسیر مستقیم آیه نیست:

ذیل برخی آیات، احادیثی آمده است که تفسیر آیه دیگر است و در اینجا به عنوان شاهد و برای کمک غیر مستقیم به تفسیر آیه آورده شده، که نوعی خروج از موضوع به شمار می‌آید و حداقل لازم است در این موارد حدیث مذکور شماره مسلسل نخورد و جزء احادیث تفسیری آیه به شمار نیاید.

برای مثال حدیث ۵۳۳/۱ که ذیل آیه «اهدنا الصراط المستقیم» آمده است. ۸۲ تفسیر آیه «وقفوهم انهم مسئولون» (صافات، ۲۴/۳۷) است که در متن حدیث این گونه آمده است:

«عن رسول الله قال فی قوله تعالی «وقفوهم انهم مسئولون» وقفوهم انهم

مسئولون عن ولاية علی»^{۸۳}

و نیز روایت ۵۵۵/۱ و ۵۵۶/۱ که ذیل سوره حمد/۶ آورده شده است، در مورد

تفسیر «نعیم» در سوره تکوین/۸ است. ۸۴

۵. فقدان توضیح جمع بندی و استنباط:

برخی احادیث که در توضیح آیات می‌آید متعارض است و مفسر نباید خواننده را

در ابهام واگذارد بلکه با جمع بندی و استنباط مناسب نتیجه را اعلام کند.

مؤلف محترم در برخی موارد مثل بحث آمین تا حدودی این کار را انجام داده است. ۸۵
اما در برخی موارد همچون تفسیر آیات سوره حمد و مثل بحث جهر و اخفات در
بسم الله الرحمن الرحيم، این مهم را انجام نداده اند و فقط ۱۸ روایت را در این باب
آورده اند. ۸۶ و از نقد و بررسی و نتیجه گیری پرهیز کرده اند، با این که مسأله فقهی بوده
و روایات متعارض ذکر شده است.

البته ممکن است گفته شود که چینش روایات به صورتی است که خواننده دیدگاه
صحیح را متوجه می شود. ولی این مطلب کافی نیست و تصریح بدان لازم است
علاوه بر آنکه ممکن است خواننده ای دیدگاه صحیح را برداشت نکند.

۶. برخی منابع تکراری در فهرست:

به نظر می رسد که در تنظیم فهرست مصادر التحقيق، دقت کافی به عمل نیامده و
برخی کتاب ها تکرار شده است از جمله کتاب «اصول التفسیر» ابن تیمیه یک بار در
حرف «الف» آمده است و یک بار در حرف «م» تحت عنوان مقدمة فی اصول التفسیر،
ابن تیمیه. با این که ناشر و محل نشر و نوبت چاپ و سال چاپ هر دو یکی است. ۸۷
و نیز در مورد کتاب «آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره»، عمر بن
ابراهیم رضوان همین اتفاق در صفحه اول فهرست تکرار شده و تحت عنوان «بحوث
جدیده فی القرآن» و «بحوث قرآنیة» آمده است. ۸۸

۷. عدم بیان کاربردهای روایات تفسیری:

در تفسیر روایی، احادیث کاربردهای مختلفی دارند از جمله: توضیح آیه، بیان
مصدق آیه، تخصیص آیه، تقیید آیه، بیان بطن و تأویل آیه و...
همان طور که ما در مبحث روش شناسی تفسیر فوق (مبحث روش تفسیر روایی)
برخی از مثال های کاربردها را از خود کتاب «التفسیر الاثری الجامع» آوردیم. انتظار
می رود که مؤلف و همکارانشان ذیل هر روایت کاربرد خاص آن را تذکر می دادند.

۸. کم توجهی به دسته بندی روایات:

مؤلف در ذیل برخی آیات اقدام به دسته بندی روایات کرده است. مثلاً ذیل تفسیر
«العالمین» ۸۹ اما ذیل برخی آیات این کار را انجام نداده اند مثلاً ذیل تفسیر «مالک يوم
الدين» ۹۰ و «ایاک نعبد و ایاک نستعین» ۹۱ که لازم است یکسان سازی شود.
البته ممکن است ادعا شود که دسته بندی با ترتیب طبیعی رعایت شده، ولی تذکر

داده نشده است که در این صورت کاستی مذکور به نوع دیگری جلوه گر می شود.
۹. فقدان بیان برخی مبانی تفسیر:

در کتاب فوق مبحث مبسوطی به بررسی قرائات آیات سوره حمد اختصاص یافته است. ۹۲ ولی مبانی این مطلب در مقدمه کتاب تذکر داده نشده و بدون ذکر هیچ مقدمه ای وارد بحث قرائات «الحمد لله» شده است. در حالی که لازم بود در مقدمه تفسیر، مبانی این مطلب روشن شود که از نظر مؤلف کدام قرائت معتبر است و کدام معتبر نیست و آیات قرائات سبعة متواتر است یا نه؟

البته ممکن است گفته شود مؤلف در کتاب «التمهید فی علوم القرآن» این مطالب را بیان کرده است. ولی این مطلب مورد نقض دارد چون مباحث تأویل و صیانة القرآن من التحریف نیز در کتاب های دیگر مؤلف آمده، ولی در مقدمه تفسیر تکرار شده است. در ضمن می توان در مقدمه بحث چند خط به مبانی اصلی اشاره کرد و به کتاب های دیگر ارجاع داد.

تذکر: این موارد پیشنهاداتی بود که به ذهن ما رسید و به استاد ارجمند و همکارانشان هدیه می کنیم و از جسارت خود پوزش می طلبیم.

۱۶. همان/۳۶۴-۳۷۷.	۱. برای اطلاعات بیشتر به کتاب: «درسنامه و روش ها و گرایش های تفسیر قرآن»، از نگارنده مراجعه فرمایید.
۱۷. همان/۳۷۸.	۲. همان.
۱۸. همان/۳۶۶ و ۳۷۴.	۳. همان.
۱۹. همان/۳۷۴.	۴. این مطالب را نگارنده از زبان مؤلف محترم شنیده است.
۲۰. همان.	۵. همان.
۲۱. و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم. (نحل، ۱۶/۴۴)	۶. التفسیر الاثری الجامع، ۶/۱.
۲۲. نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.	۷. همان/۲۵۹.
۲۳. ر. ک: درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن/۱۷۱.	۸. همان/۲۷۸.
۲۴. ر. ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۷/۸۹ و سنن ترمذی، ۱۹۹/۵.	۹. همان/۲۸۴.
۲۵. ر. ک: درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن/۳۸ و ۴۱۵-۴۶۴.	۱۰. همان/۲۸۵-۲۸۷.
۲۶. التفسیر و المفسرون فی توبه القشیب، ۲/۲۱-۲۸.	۱۱. همان/۲۸۹-۲۹۰.
۲۷. همان/۳۵۱-۳۵۳.	۱۲. همان/۳۶۳.
	۱۳. همان/۳۶۳-۳۶۴.
	۱۴. همان/۳۶۴.
	۱۵. همان/۳۷۸ و ۳۸۱.

۲۸. همان/ ۳۵۱-۳۵۰.
۲۹. التفسیر الاثری الجامع، ۱/ ۳۹۰.
۳۰. همان/ ۳۸۱.
۳۱. همان/ ۹۸ و التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ۱/ ۳۰۷.
۳۲. همان/ ۳۹۳.
۳۳. همان/ ۳۹۶.
۳۴. همان/ ۳۸۶.
۳۵. همان/ ۳۸۵.
۳۶. همان/ ۳۸۲.
۳۷. همان/ ۳۵۰-۳۵۳ (حدیث ۱/۳۵۱-۳۶۸).
۳۸. همان/ ۹۸ و ۱۰۵.
۳۹. همان/ ۳۰۷.
۴۰. همان/ ۱۰۵.
۴۱. همان/ ۱۲۸-۱۲۹.
۴۲. همان/ ۱۰۶-۱۲۱.
۴۳. ر. ک: درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، مبحث روش تفسیر اشاری.
۴۴. التفسیر الاثری الجامع، ۱/ ۲۹-۳۷.
۴۵. همان/ ۳۱.
۴۶. همان/ ۳۷.
۴۷. همان/ ۳۸-۳۹.
۴۸. همان/ ۱۹۲.
۴۹. حقائق التفسیر، ۳۳/۱.
۵۰. التفسیر الاثری الجامع، ۱/ ۳۶۴.
۵۱. همان/ ۴۳.
۵۲. همان/ ۴۶-۴۸.
۵۳. همان/ ۵۲.
۵۴. فیض کاشانی، الصافی، ۱/ ۱۲۷.
۵۵. التفسیر الاثری الجامع، ۱/ ۳۸۸-۳۸۹.
۵۶. همان/ ۶.
۵۷. همان/ ۳۵۰ به بعد.
۵۸. همان/ ۳۹۹ به بعد.
۵۹. همان/ ۳۱، ۵۶، ۶۳، ۷۰ و ۲۱۹.
۶۰. همان/ ۵۵.
۶۱. برای اطلاع از تفاوت‌های روش تفسیر موضوعی و ترتیبی نک: درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن/ ۴۸۳؛ روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، حسین علوی مهر.
۶۲. التفسیر الاثری الجامع، ۱/ ۳۶۳-۳۹۸.
۶۳. همان/ ۲۹۵-۳۰۶.
۶۴. همان/ ۳۰۷-۳۶۲.
۶۵. همان/ ۳۹۹-۴۰۶.
۶۶. همان/ ۳۶۳-۳۷۲.
۶۷. همان/ ۳۸۱-۳۹۷.
۶۸. همان/ ۲۹-۳۶.
۶۹. همان/ ۴۹.
۷۰. همان/ ۴۳-۴۷.
۷۱. همان/ ۵۶-۵۷.
۷۲. همان/ ۱۷۳.
۷۳. همان/ ۲۱۹-۲۴۸.
۷۴. همان/ ۱۸۱-۲۱۶.
۷۵. همان/ ۲۷۱-۲۸۵.
۷۶. همان/ ۷۱-۸۷.
۷۷. همان/ ۶.
۷۸. همان/ ۳۲۵.
۷۹. همان/ ۳۶۲.
۸۰. همان/ ۳۷۲.
۸۱. همان/ ۳۷۸.
۸۲. التفسیر الاثری الجامع، ۱/ ۳۸۷.
۸۳. شواهد التنزیل، ۲/ ۱۰۶-۱۰۸-۱۰۸-۷۸۵-۷۹۰، باب ۱۳۵.
۸۴. التفسیر الاثری الجامع، ۱/ ۳۸۷.
۸۵. همان/ ۴۰۶.
۸۶. همان/ ۳۵۱-۳۵۳.
۸۷. همان/ ۴۰۸ و ۴۱۵.
۸۸. همان/ ۴۰۸.
۸۹. همان/ ۳۷۴.
۹۰. همان/ ۳۷۸.
۹۱. همان/ ۳۷۹-۳۸۱.